

سرویس سیاسی – آنچه در ادامه می‌خوانید گزیده‌ای از مصاحبه با عبدالناصر همتی است که در کتاب «بزنگاه» نوشته حسام رضایی منتشر شده است و در آن از دلایل کاندیداتوری‌اش در انتخابات ۱۴۰۰ می‌گوید و این‌که نامزدشدن او، چگونه به تعمیق شکاف و شقاق در دولت وقت انجامید. او به صراحت می‌گوید که برخی چهره‌های نامدار ردصلاحیت‌شده، او را به اتصال با نهادهای امنیتی متهم کردند و چنین جانداختند که همتی، مهره‌ای پشتیبانی‌شده برای معنادار شدن رقابت بوده است. این گفت‌وگو در آبان‌ماه ۱۴۰۰ در دفتر رئیس کل سابق بانک مرکزی در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران انجام شده است.

همتی در ابتدای این مصاحبه با تاکید بر این‌که «هیچ علاقه‌ای به نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری نداشتم» اظهار کرد: تقریباً در خرداد ۹۹ در چند روزی که تعطیلات بود و من هم در تهران حضور نداشتم، آقای محمد مهاجری بر اساس دیدگاه شخصی خود اعلام کرد که همتی به عنوان یک اقتصاددان، یکی از افرادی است که با توجه به وضعیت اقتصادی کشور برای ریاست‌جمهوری مطرح است. البته من بعداً از ایشان کلاهه کردم که چرا شما این موضوع را مطرح کردید چون با این صحبت، فشار بر بانک مرکزی زیاد شد. دلایلش هم این است که وقتی فردی در مظان کاندیداتوری قرار بگیرد، رقیبان او را تخریب می‌کنند.

از پشت‌پرده تظاهرات علیه بانک مرکزی خبر داشتیم
او یادآور می‌شود: برای همین از خرداد ۹۹ تا موعی که کاندیدا شدم، بیشترین هجمه علیه بانک مرکزی بود. حتی جلوسی بانک مرکزی تظاهرات ترتیب می‌دادند و خواستار استعفا می‌شدند؛ در حالی‌که من از پشت صحنه تمام این تظاهرات اطلاع داشتم و می‌دانستم که پول این‌هایی که تظاهرات می‌کنند، چگونه خورده شده و حتی به دادگاه معرفی کرده بودیم و دادگاه داشت رسیدگی می‌کرد و اصلاح‌ریطی به بانک مرکزی نداشت. برخی رسانه‌های تند اصولگرا درباره حجم تقدینگی و قیمت دلار شروع به حمله علیه من و بانک مرکزی کردند؛ در حالی که همه می‌دانند حجم تقدینگی و قیمت دلار چندنان ریطی به بانک مرکزی نداشت و با توجه به سیاست‌های کلان اقتصادی کشور و شرایط سخت تحریم و فشار حداکثری، طبیعی بود این اتفاق بیفتد.

روحانی گفت همه بروید ثبت‌نام کنید!

همتی با اشاره به ماجرای کاندیداتسوری‌اش در انتخابات می‌گوید: در یک بحث سرپایی که آقای وزیر کشور هم در آنجا حضور داشتند، به آقای دکتر روحانی عرض کردم که افراد مختلفی دارند ثبت‌نام می‌کنند و معلوم نیست چه کسی تأیید و چه کسی رد بشود. ایشان همانجا گفتند: «خب! همگی بروید ثبت‌نام کنید تا ببینیم چه می‌شود». برداشتم از این بود که هر کسی در دولت احساس می‌کند می‌تواند کاندیدا بشود، برود و ثبت‌نام کند. من هم صحبت آقای روحانی را به عنوان چراغ‌سبز گرفتم و ثبت‌نام کردم. حتی تا ساعات آخر خودم تصمیم به حضور گرفته‌ام و ان‌شالله شما هم کمک می‌کنید؛ آقای جهانگیری هم صریحاً گفتند که نخیر! من هیچ کمکی به شما نمی‌کنم. با همین صراحت؛ خیلی تند گفتند که من هیچ کمکی به شما نمی‌کنم. گفتیم که اشکالی دارد و خودم مسیر را ادامه می‌دهم.

به روحانی گفته‌ام من در انتخابات اعتراض کرد!

کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری سبزه‌دم با بیان این‌که از برخی محافل شنیده بودم که بعضی‌ها را ردصلاحیت خواهند کرد، این امر را مقدمه‌ای برای کاندیداتوری در انتخابات دانست هر چند که معتقد

است انتظار حمایتی از روحانی و دولت را نداشته؛ «من حمایت نخواستم اما بالاخره آقای روحانی رئیس من بودند و باید در جریان قرار می‌گرفتمند. فردای روزی که ثبت‌نام کردم، ایشان در جلسه ستاد اقتصادی به من اعتراض کردند که چرا شما رفتید ثبت‌نام کردید؟ من هم گفتم که خودتان اجازه دادید. ایشان هم گفت، نه! ما همینطوری داشتیم صحبت می‌کردیم. در جواب گفتم که بنده صحبت شما را به عنوان چراغ سبز در نظر گرفتم. البته برداشت من این بود که آقای روحانی ثبت‌نام من را خیلی جدی نگرفته بودند. شاید چون احتمال نمی‌دانند من تأییدصلاحیت بشوم یا فکر نمی‌کردند بقیه رد صلاحیت بشوند.

دلایلی برای ردصلاحیت نمی‌دیدم

او در پاسخ به این پرسش که نگران ردصلاحیتش نبوده‌است، تصریح می‌کند: من دلایلی برای ردصلاحیت خودم نمی‌دیدم. چرا من را باید رد صلاحیت می‌کردند؟ من به عنوان رئیس کل بانک مرکزی مشغول کار بودم و فکر هم نمی‌کردم کاری کرده باشم که نظام در زمینه‌هایی نسبت به من نظر منفی داشته باشد. تنها احتمالی که می‌دام این بود که تعداد افراد آنقدر زیادشود که بخوانند برای ردصلاحیت، اولویت‌بندی کنند.

جهانگیری و شریعتمداری از ردصلاحیتشان شوکه شدند

همتی یادآور می‌شود: روزی که اسامی تأیید صلاحیت‌شده‌ها اعلام شد، به بعضی از اعضای دولت مثل آقای جهانگیری و آقای شریعتمداری شوک وارد شد؛ آقای لاریجانی هم که ردصلاحیت شده بودند. فردای اعلام اسامی، دوباره جلسه ستاد اقتصادی بود و من پیش‌بینی می‌کردم که جلسه جالبی نباشد. از این جهت که خود آقای جهانگیری رد شده بود و به عنوان معاون اول در این جلسه حضور داشت. بحث جلسه، خیلی مربوط به آقای لاریجانی نبود و بیشتر مربوط به کسانی مثل آقای جهانگیری یا آقای شریعتمداری بود که از دولت رد شده بودند. جلسه خوبی نبود.

«خو‌های ما تا آخر بمانی؟»

او روایتش از این جلسه را با سوال و جواب میان خودش و حسن روحانی ادامه می‌دهد: آقای روحانی به من گفت که یعنی شما می‌خواهید تا آخر بمانید؟ من هم گفتم که بالاخره شرکت کرده‌ام، تأیید شدم و می‌خواهم در صحنه بمانم. آقای روحانی گفت که نمی‌شود! شما همزمان هم می‌خواهید رئیس کل بانک مرکزی بمانید و هم کاندیدا بشوید؟ گفتم که بله! چه اشکالی دارد؟ من طبق قانون می‌توانم اداره بانک مرکزی با تمام اختیارات رایسه مدت یک ماه به قائم‌مقام خودم بسپارم؛ ایشان (اکبر کیمیجانی) هم انسان صاحب‌نظری است و سال‌ها کار کرده و بنابراین مشکلی پیش نمی‌آید. آقای روحانی هم گفت که نمی‌شود.

جهانگیری گفت هیچ کمکی به تو نمی‌کنم!

همتی به واکنش جهانگیری هم اشاره می‌کند و می‌گوید: در همین جلسه، آقای جهانگیری به من گفتند که اصلاح‌طلبان اصلاح‌شما را معرفی و تأیید نکرده‌اند؛ چطور می‌خواهید وارد صحنه بشوید؟ من هم گفتم که خودم تصمیم به حضور گرفته‌ام و ان‌شالله شما هم کمک می‌کنید؛ آقای جهانگیری هم صریحاً گفتند که نخیر! من هیچ کمکی به شما نمی‌کنم. با همین صراحت؛ خیلی تند گفتند که من هیچ کمکی به شما نمی‌کنم. گفتیم که اشکالی دارد و خودم مسیر را ادامه می‌دهم.

به روحانی گفتم از ریاست بانک مرکزی برکنار شوم

تعمهدی‌نمدار در انتخابات از

سیاسی

ناگفته‌های همتی از انتخابات ۱۴۰۰:

سیدحسین خمینی گفت «چه شد که تأیید شدی؟ مشکوک می‌زنی»!

■ **عبدالناصر همتی با گذشت بیش از یکسال از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ در مصاحبه‌ای به بیان جزئیاتی از روند حضورش در آن انتخابات پرداخته و واکنش‌های حسن روحانی، حسن خمینی، اسحاق جهانگیری و محمد خاتمی را نسبت به اعلام کاندیداتوری‌اش را با طول و تفصیل شرح داده است.** او در این گفت‌وگو هم تأکید می‌کند که کاندیدای اصلاح‌طلبان نبوده و هم معتقد است که نباید وی را نماد وضع موجود تلقی کرد.

دولت دفاع کنم

کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری برکناری از ریاست کل بانک مرکزی را چنین روایت می‌کند: بعداز ظهر هسبان‌روز آقای روحانی تلفنی با من تماس گرفتند. پرسیدند که آیا راجع به این موضوع تصمیم گرفته‌ام؟ پرسیدم راجع به چه موضوعی؟ گفتند که یا از انتخابات استعفا بدهید یا از بانک مرکزی. گفتم

گفتم که به صلاح شمامست که من در بانک مرکزی بمانم چون اگر بمانم، حداقل مجبورم از دولت دفاع کنم اما اگر نباشم، تعهدی برای دفاع از همه دولت نخواهم داشت. ایشان گفتند که حتی اگر کنار بروید، از دولت دفاع خواهید کرد. من هم گفتم در جاهایی که لازم باشد، دفاع خواهم کرد اما در جاهایی که احساس کنم سیاست‌ها صحیح نبوده، دفاع نمی‌کنم. خلاصه



روزی که اسامی تأیید صلاحیت‌شده‌ها اعلام شد، به بعضی از اعضای دولت مثل آقای جهانگیری و آقای شریعتمداری شوک وارد شد؛ آقای لاریجانی هم که ردصلاحیت شده بودند. فردای اعلام ستاد اقتصادی بود و من پیش‌بینی می‌کردم که جلسه جالبی نباشد. از این جهت که خود آقای جهانگیری رد شده بود و به عنوان معاون اول در این جلسه حضور داشت. بحث جلسه، خیلی مربوط به آقای لاریجانی نبود و بیشتر مربوط به کسانی مثل آقای جهانگیری یا آقای شریعتمداری بود که از دولت رد شده بودند. جلسه خوبی نبود.

این بحث در گرفت و به نتیجه‌ای هم نرسیدیم؛ ایشان اما گفت که من تصمیم خود را گرفته‌ام.

گفتند اگر از انتخابات کنار نمسی رو، از بانک مرکزی برکنارش کنیم!

او در پاسخ به این پرسش که روحانی چه اصراری به استعفا یی و از بانک مرکزی گذاشته است، اظهار می‌کند: شاید چون گفتند از انتخابات برو کنار و من ترنقم. وقتی دیدند تا آخر ماندم، با خودشان گفتند حالا که همتی از آن طرف کنار نمی‌رود، از این طرف برکنارش کنید. البته با توجه به اختلاف نظراتی که در چند ماه مانده به انتخابات در خصوص نحوه دخالت در بازار ارز با ایشان داشتم، بدبینانه‌ترین حدس این است که فرصت را برای برکناری مناسب دیدند.

هیچ عضوی از دولت، از من حمایت و پشتیبانی نکردند و حتی علیه من تخریب می‌کردند؛ مثل تخریب‌هایی که وزیر اقتصاد در مورد بازار بورس علیه من داشتم و من را به عنوان مقصر بورس معرفی کرد. حربه تبلیغاتی حرفی هم این بود که سیا توجه به شرایط اقتصادی کشور، دولت و من را به عنوان نماینده وضع موجود، مورد هدف قرار بدهند.

من نماد وضع موجود نبودم
همتی توصیف منتقدانش از

خود به عنوان نماد وضع موجود وارد می‌کند و می‌گوید: واقعیت این است که من نماد وضع موجود نبودم. در مناظره‌ها گفتم که من بخشی از اصلاح وضع موجود بودم. این چیزی نیست که فقط خودم بگویم؛ همه می‌دانند نظراتی که می‌دادیم و اقداماتی که می‌کردیم، جلوی احتمال فروپاشی اقتصادی را گرفت. البته نمی‌خواهم بگویم که همه کارهای ما درست بود



روزی که اسامی تأیید صلاحیت‌شده‌ها اعلام شد، به بعضی از اعضای دولت مثل آقای جهانگیری و آقای شریعتمداری شوک وارد شد؛ آقای لاریجانی هم که ردصلاحیت شده بودند. فردای اعلام ستاد اقتصادی بود و من پیش‌بینی می‌کردم که جلسه جالبی نباشد. از این جهت که خود آقای جهانگیری رد شده بود و به عنوان معاون اول در این جلسه حضور داشت. بحث جلسه، خیلی مربوط به آقای لاریجانی نبود و بیشتر مربوط به کسانی مثل آقای جهانگیری یا آقای شریعتمداری بود که از دولت رد شده بودند. جلسه خوبی نبود.

ولی تمام تلاشم را کردم. خوب است که این هم در تاریخ ثبت بشود؛ من یک زمان خدمت اقا نامه‌ای نوشتم با این مضمون که اقتصاد مثل فیزیک نیست. در فیزیک با ثابت‌نگه‌داشتن بقیه‌عناصر، شما می‌توانید در حالت خلاء نتیجه اقدامات خود را ببینید اما در اقتصاد اینگونه نیست و نمی‌توانید در یک جامعه نشان بدهید که اگر اقداماتی نبود، شرایط چه می‌توانست باشد؛ یعنی مردم فقط شرایط موجود را می‌بینند و آنچه می‌توانست اتفاق بیفتد، هیچ‌گاه در اقتصاد دیده نمی‌شود.

رقبا برای پیروزی راه دیگری جز حمله به من و دولت ندارند

وی در بخش دیگری از این مصاحبه خود را نه قربانی بلکه مظلوم وضعیت می‌داند و ادامه می‌دهد: برخلاف آنچه می‌گویند، من نه «قربانی» بلکه «مظلوم» و وضعیت ابرق شدم چون کسی که تمام تلاشش برای حل مشکلات بود، به خاطر هدف استراتژیک رقیبا در انتخابات، به عنوان کسی معرفی شد که تمام مشکلات به گردن او اوست. رقیبا برای پیروزی، راه دیگری جز حمله به من و دولت نداشتند.

«مشکوک می‌زنی!»

کاندیدای انتخابات ۱۴۰۰ در پاسخ به این پرسش که چرا بخشی از جریان اصلاح‌طلب او را به‌عنوان

روحانی بیاندازیم، درست نیست. من در جریان دلیل اصلی مشکلات بودم. در آینده نزدیک، نتیجه کار دولت و مجلس فعلی که یکدست هستند را نیز خواهیم دید. مشکلات به تحریم، انسروای اقتصادی، انسداد داخلی و فشارهایی که دارد به کشور وارد می‌شود مربوط است؛ این‌ها اجازه نمی‌دهند که اقتصاد کشور متحول بشود. اگر هر کسی بگوید می‌تواند مشکلات را بدون تعاملات خارجی و بدون برنامه‌ریزی جدی برای رشد اقتصادی حل کند، حتما اشتباه می‌کند.

از کسی اجازه نگرفته بودم که بخوانسد به من بگویند برو کنار

او در پاسخ به پرسشی دیگر درباره تحلیلی درباره انتخابات ۱۴۰۰ و اینکه حضور وی، رضایی و قاضی‌زاده‌هاشمی برای رئیسی، «امداد الهی» بود، با خنده می‌گوید: تحت فشار بودند تا به نفع آقای رئیسی کنار بکشند. در خصوص فشار برای کناررفتن من، اصلاً صحبت ندارد. چرا بگویند؟ مگر من از کسی اجازه گرفته بودم که بخوانند به من بگویند بسرو کنار؟ البته این‌را هم بگویم آن صحبتی که گفتم که این‌ها همگی پوششی هستند، باعث شد که همگی کنار نروند و دو نفری برای حفظ ظاهر باقی بمانند. اگر همه می‌خواستند کنار بروند، دیگر خیلی برای آن‌ها مناسب نمی‌شد. انتخاب اصولگرایان هم تقریباً مثل انتخاب واحدهای اختیاری– اجباری بود چون مجبور شدند بمانند تا آبروداری کنند و گر نه همگی شان با هم بودند؛ الان هم با همدیگر در دولت هستند؛ حمله‌شان به من بود و من را رقیب خود می‌دانستند.

نظر خاتمی به کاندیداتوری من مثبت بود

همتی در این مصاحبه از دیدار خود با محمد خاتمی و واکنش او به خبر کاندیداتوری خود چندین روایت می‌کند: نظر ایشان به کاندیداتوری من مثبت بود اما در جریان اصلاحات سازوکاری گذاشته بودند که باید برای حمایت از یک گزینه‌واحدا رای و– سوم مجمع را می‌داشتند که در دفعه اول رای نیابود و دو دفعه دوم هم با اختلاف دو آرا نیابود و اینطور باقی ماند. آخر بگویند؛ با توجه به صحبت‌های من، مردم از من استقبال می‌کنند و حتی آن‌هایی که رای ندادند وقتی مرا می‌بینند، می‌گویند که ما نظرات شما را قبول داشتیم اما چون تصمیم به رای ندادن داشتیم و سیا بی‌فایده می‌دانستیم، رای ندادیم. بنابراین معنی ۲ و نیم میلیون راییه که برای من اعلام شد، این نیست که فقط همین تعداد،

ایشان قائل هستم، حمایت این نیست (مردم «همت» کنید و رای بدهید) در لحظه آخر بگویند؛ با توجه به تجربه قبلی، دوره اینکه یک شخصیت چیزی بگوید و مردم بریزند رای بدهند، دیگر گذشته است. ستادهای شهرستان باید پشتیبانی می‌کنند و اول برگشتند گفتند: «آقای همتی چه شد که تأیید شدی؟ مشکوک می‌زنی!» من هم در جواب گفتم: «کسانی که ردصلاحیت شده‌اند باید بررسی شوند که چرا مشکوک می‌زنند و رد شدند نه کسی که تأیید شده است.»

کاندیدای اصلاح‌طلبان نبودم

همتی یادآور می‌شود: صحبت برخی از جریانسات و حتی برخی ازاصلاح‌طلبان تناقض داشت؛ از یک طرف می‌گفتند هر کسی بیاید فرقی

نی‌مکند چون رئیس جمهور کاره‌ی نیست و از یک طرف می‌گفتند چون کاندیدهای م‌سارذ صلاحیت شده‌اند، شرکت نمی‌کنیم؛ این دو تا با هم نمی‌خوانند. به من می‌گفتند چون شما کاندیدای ما نیستی…بله! من به گردن او اوست. رقیبا برای پیروزی، راه دیگری جز حمله به من و دولت نداشتیم. حتی در تهران هم نداشتم. من عملاً هیچ خبری از اوضاع نداشتم. مثلاً وقتی ساعت ۱۱ شب(۱۱روز جمعه ۲۸ خرداد) سیستم اعلام رای در وزارت کشور به مدت یک ساعت

رخ ندهد، تلاش دولت و مجلس که در سطح پایین تر قرار دارند به جایی نخواهد رسید. این فعال سیاسی گفت: یکی از آن موارد کلان و اساسی مربوط به روند صلاحیت‌ها در انتخابات مختلف اعم از انتخابات ریاست جمهوری، مجلس یا شوراهاست. یعنی باید مشخص شود که در این زمینه قرار است قانون حاکم شود و درباره آن تصمیم بگیرد یا اراده‌های سیاسی فوق قانون که البته طی سال‌های گذشته بیشتر اراده‌ها تعیین‌کننده بودند. بنابراین این موضوعی است که باید در سیاست‌های کلان تکلیف آن روشن شود و زمانی که تکلیف آن مشخص شد، عملیاتی شدن آن، روی کاغذ آوردن و تبدیل به قانون کردن آن کار سختی نبوده و به راحتی انجام می‌شود. باقری در ادامه افزود: موضوع کلان دیگر مربوط به تفکیک حوزه نظارت و اجرا در انتخابات

قطع شد، دلیل قطعی سیستم اطلاع رسانی و آمارهای متناقض اعلامی را هیچ‌وقت به من نگفتند. ساعت یک نیمه‌شب به وزارت کشور رتم و به آقای رحمانی فضلی اعتراض کردم. به ایشان گفتم که چرا با اینکه باید تا ساعت ۲ بامداد رای‌گیری باشد، شما خیلی از شعب را تعطیل کرده‌اید و در خیلی از شعب مردم را برای رای، راه نمی‌دهید؟ شما دیدید که از ساعت ۶ تا صبح بعد، تمام مراکز استان‌ها شلوغ و مملو از جمعیت بود. با این حال، من چون مصلحت کشور را بالاتر از حق خودم می‌دانم و شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور هم جوری نیست و نبود که بخوایم درباره این مسائل کنکاش کنیم، بنابراین پیگیری نکردم.

شاید باز هم کاندیدا شوم
او در پاسخ به این پرسش که آیا در انتخابات مجلس سال ۱۴۰۲ یا انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۴، به عرصه باز خواهد گشت، تاکید می‌کند: فعلاً زود است بخواهیم در این‌باره صحبت کنیم؛ اجازه بدهید یک مقدار شرایط جلو برود. اگر احساس کنم حضورم می‌تواند به بهتر شدن شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور کمک کند، حتما در این کار را نمی‌کنم. باید روند را ببینم. بهتر شدن شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور کمک کند، حتما کنم حضورم فایده‌ای ندارد، حتما این کار را نمی‌کنم. باید روند را ببینم. آنچه در انتخابات پیش‌بینی می‌کردم، دارد اتفاق می‌افتد. تا پایان سال باید منتظر بمانیم و اگر دولت،اصلاحات ساختاری انجام داد و به تعاملات بین‌المللی بهبود بخشید و با تدبیر به مسائل پرداخت می‌توان امیدوار بود و اصلاً شاید نیازی به حضور افرادی مثل من نشد.

هرجا می‌روم مردم از من استقبال می‌کنند

همتی از نتیجه حضورش در انتخابات راضی است و می‌گوید: در طرح یک ادبیات مهم اقتصادی– سیاسی و آوردن مردم به صحنه موقی بود؛ دلیلش هم این است که هر جای می‌روم، مردم از من استقبال می‌کنند و حتی آن‌هایی که رای ندادند وقتی شما را قبول داشتیم اما چون تصمیم به رای ندادن داشتیم و سیا بی‌فایده می‌دانستیم، رای ندادیم. بنابراین معنی ۲ و نیم میلیون راییه که برای من اعلام شد، این نیست که فقط همین تعداد، نظرات من را قبول داشتند.

کسانی که در انتخابات ۹۶ مشارکت داشتند، ۷۳ درصد بودند اما در این عدد در انتخابات امسال، ۴۸ درصد شد؛ یعنی چیزی حدود ۲۵ درصد کسانی که می‌توانستند رای بدهند، رای ندادند. این ۲۵ درصد همان‌هایی هستند که اگر می‌خواستند رای بدهند، رای ندادند. بنابراین معنی ۲۵ درصدی که می‌توانستند رای بدهند، رای ندادند، دوباره به صحنه بیایند و احساس کنند که حضورشان در پیشبرد امور کشور مؤثر است؛ اگر این اتفاق بیفتد، می‌توانم بگویم که در صورت حضور مجدد، شانسن من بالا خواهد بود.

کتاب «بزنگاه» که با عنوان فرعی «جستاری تاریخی – ژورنالیستی

درباره بازیگران انتخابات ۱۴۰۰

منتشر شده و نوشته حسام رضایی است به ثبت و تحلیل اخبار و وقایع انتخابات ریاست‌جمهوری سبزه‌دم حول پنج چهره مشخص آن یعنی سیدحسین خمینی، محمدجواد ظریف، علی لاریجانی، عبدالناصر همتی و سیدابراهیم رئیسی، پرداخته که علاوه بر بررسی کنشگری این پنج چهره، شامل دو مصاحبه اختصاصی با محمدجوادظریف و عبدالناصر همتی است.

کلیه سفارشات

MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل

حلاج کیش

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲